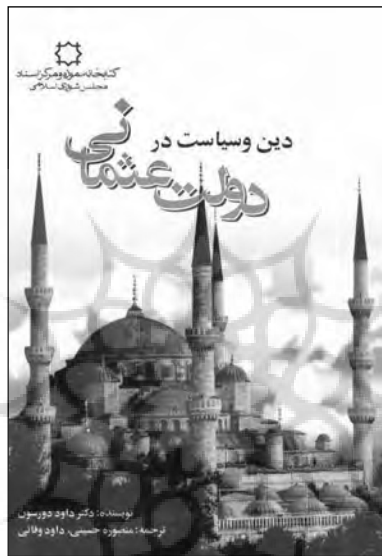


دین و سیاست در دولت عثمانی

○ رضا دهقانی



○ دین و سیاست در دولت عثمانی

○ تألیف: داود دورسون

○ ترجمه: منصوره حسینی، داود وفایی

○ ناشر: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس

○ شورای اسلامی، تهران، چاپ اول، تیر ۱۳۸۱،

۱۵۰۰ نسخه، ۴۸۶ ص، ۲۵۰۰۰ ریال

دین و سیاست در دولت عثمانی تألیف داود

دورسون عنوان کتابی است که اخیراً به زبان فارسی

ترجمه و منتشر شده است. نویسنده کتاب، داود

دورسون در سال ۱۹۴۴ در استانبول به دنیا آمد. در

سال ۱۹۸۱ از دانشکده اقتصاد استانبول در رشته

روزنامه‌نگاری و از مدرسه عالی استانبول در رشته

روابط بین‌الملل فارغ‌التحصیل شد. و در سال ۱۹۸۱

از انستیتوی علم سیاست وابسته به دانشکده اقتصاد

فوق لیسانس گرفت. از سال ۱۹۸۴ به مدت سه سال،

در دانشگاه قونیه در دانشکده علوم اقتصادی، اداری

سرگرم تحقیق شد. از وی کتب و مقالات متعدد اعم

از تألیف و ترجمه منتشر شده که از آن جمله‌اند:

مشارکت سیاسی در عصر نخستین اسلام، ۱۹۸۴؛

ارتباط فقر و غنا با زکات در عصر نخستین اسلام،

۱۹۸۶؛ ترجمه‌ای تحت عنوان «اسلام» که در ۱۹۸۵

منتشر کرده است. وی هم‌اکنون از طرف سازمان

دیانت ترکیه سرپرست «دایرة‌المعارف وقف اسلامی»

است. کتاب حاضر در اصل رساله دکتری ایشان با

عنوان «نظام اداری - سیاسی و سازمان دینی

عثمانی» بوده که با اندک تغییراتی بصورت کتاب

فعلی درآمد است.

نویسنده در این کتاب به بررسی نقش دین در

شکل‌گیری حاکمیت عثمانی و استمرار آن در حیات

سیاسی امپراتوری عثمانی می‌پردازد و کارکردهای

دین را در نظام سیاسی - حقوقی عثمانی روشن

می‌سازد و سیر تفسیرهای مختلف دینی در یک

پارادایم قبض و بسط دینی در طی شش قرن

حاکمیت عثمانی را پی‌جویی می‌کند. این کتاب به

اجتماعی - سیاسی بودند که یکدیگر را زیر نظر داشتند و تأثیر آنها در دستگاه دولت گاه کم و گاه چشمگیر بود.

فعالیت‌های دینی زیر نظر نظام سیاسی - اداری (پادشاه سلطان) شکل می‌گرفت و سلطان در موقعیتی برتر از دین قرار داشت. اما در عین حال دین بر مواضع و رفتارهای پادشاه عثمانی تأثیرگذار بود و قدرت او را تا اندازه‌ای محدود می‌کرد.^۱

تأثیرگذاری دین در دولت عثمانی در همه دوره‌ها یکسان نبوده است. نهادهای دینی صوفیانه در دوره‌های اول نقشی مؤثر داشتند.^۲ اما از قرن پانزدهم به بعد تأثیر نخبگان مدارس دینی که نماینده اسلام سنی بوده‌اند، رو به افزایش گذاشت.

نهادهای سیاسی - اداری جامعه عثمانی، در کتاب حاضر به عنوان «نظام» مورد بررسی قرار گرفته‌اند و تلاش شده است روابط میان این کل و سازمان دینی به عنوان زیرمجموعه‌ای از آن روشن شود.

نویسنده بر این باور است که براساس فرضیه «نظام‌ها» می‌توان عناصر تشکیل دهنده جامعه عثمانی را که شامل تمرکز قدرت مشروع و توزیع آن در زیر مجموعه‌ها، برخورداری از قدرت

تصمیم‌گیری و وضع مقررات به اجرا درآوردن آنها و سازمانهای اجتماعی پاسخگو به نیازهای ملی و منطقه‌ای است را، با عنوان نظام سیاسی مشخص کرد. روابط نهاد سیاسی - اداری که با اصطلاح

«نظام سیاسی» از آن یاد می‌شود همراه با شکل سازمانی و کارکردهایش با دین به عنوان زیربنای

عوامل زوال و انحطاط حکومت دیرپای عثمانی با رویکردی دینی می‌نگرد. نویسنده نزاع سنت‌های بومی - مذهبی با انگاره‌های نوظهور غربی دست کم در دو سده آخر حاکمیت عثمانی (سده‌های ۲۰-۱۹) امپراتوری را مهمترین عوامل زوال و انحلال آن می‌داند.^۱ از منظر نگارنده روابط دین و دولت عموماً با الگوی حاکمیت‌های دینی (تئوکراتیک) و لائیک تبیین می‌شود و با بهره‌گیری از این فرضیه‌ها سعی می‌کند اثبات نماید که روابط دین و دولت در عثمانی نه منطبق بر الگوی دولتی دینی است نه دولت لائیک^۲ بلکه الگوی «نظام نیمه دینی» حاکم بوده است. نگارنده ویژگی بارز حکومت عثمانی را برخورداری از ساختار دوگانه‌ای می‌داند که باعث تعادل آن می‌شود.

وی معتقد است «کاپی کولر» (Kapi Kullar) متشکل از کول (بنده)هایی بود که از میان غیرمسلمانان انتخاب می‌شدند و در مقابل طبقه علما قرار داشت که دارای ریشه ترکی - اسلامی بودند؛ دیوان سالاری دو شبرمه - کول^۳ که متشکل از کاپی کولرها بودند و دیوان سالاری دینی در برگیرنده علما و دانشمندان دینی، دو مقوله مهم

فرهنگی جامعه، موضوع این کتاب را تشکیل می‌دهد.^۶

در مجموع این کتاب از سه بخش تشکیل شده است. بخش اول به بررسی نظری و اصطلاحی موضوع می‌پردازد. از آنجا که مجموعه نهادهای سیاسی - اداری جامعه عثمانی به عنوان یک «کل» مورد پژوهش قرار گرفته است، ناچار مؤلف به تبیین واژه‌هایی همچون نظام، نظام سیاسی، اداره و نظام اداری پرداخته است. دین یکی از واژه‌های بسیار مهم در این پژوهش است لذا بیان تفصیلی ماهیت دین در رویداد دینی بحث دیگر بخش اول است.

بخش دوم متشکل از دو فصل است. در فصل نخست میراث سیاسی - اداری به جای مانده از نظام‌های پیشین در دولت عثمانی مورد بررسی قرار گرفته است. نویسنده ضمن تأیید دیدگاه مطرحی که نظام سیاسی - اداری عثمانی را برآمده از ساختار سیاسی - اجتماعی آناتولی قرن سیزده میلادی می‌داند با اذعان به اینکه هر نظام اجتماعی، پیشینه‌ای تاریخی دارد بررسی اوضاع سیاسی - اجتماعی آناتولی قرن سیزدهم را اجتناب‌ناپذیر می‌داند.

در فصل دوم بخش دوم نهادهای نظام سیاسی عثمانی، نوع شکل‌گیری آن و جایگاه دین در درون حاکمیت و نوع کارکردهایش مورد بررسی قرار گرفته است. در این فصل رابطه نهادهای تشکیل‌دهنده نظام سیاسی عثمانی از قبیل سلطنت، کاخ، دیوان همایون و سازمان عهده‌دار مسائل ایالت‌ها با دین و سازماندهی دینی مورد بررسی قرار گرفته است.^۷

بخش سوم و آخرین بخش به سازماندهی دینی، به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های نظام سیاسی عثمانی اختصاص یافته است. دین در حاکمیت عثمانی رسیدگی به امور قضایی، آموزشی و مشاوره‌های شرعی را بر عهده داشت و در نهاد «شیخ الاسلامی» متمرکز بود. نهاد شیخ الاسلامی که در تاریخ، مختص حاکمیت عثمانی بوده است، متشکل بود از دایره قضا که خدمات قضائی اداری انجام می‌داد «مدرسه‌ها» که به امر آموزش می‌پرداختند و مفتی‌گری که مسؤولیت مشاوره‌های شرعی را بر عهده داشت. در این بخش سه سازمان یاد شده از نظر تحول تاریخی، نوع ساختار و نوع کارکرد مورد بحث قرار گرفته و نقش هر یک از آنها در نظام سیاسی عثمانی مشخص گردیده است.^۸

در پایان نویسنده از مباحث مطرح شده در کتاب چنین نتیجه‌گیری می‌کند: حکومت عثمانی که سازمان دین و نظام سیاسی - اداری خود را از ساختارهای حکومتی ترک - اسلام قرون میانه به ارث برده بود، در امتداد بیگ‌لی‌گی‌های ترکمن آناتولی و سلجوقی که پیشتر وجود داشته‌اند به شکل نظامی سیاسی ظهور یافت. عثمانی که تحت تأثیر سنت‌های حاکمیت‌های ترک - اسلام پیش از خود

تأثیر گذاری دین در دولت عثمانی در همه دوره‌ها، یکسان نبوده است. نهادهای دینی صوفیانه در دوره‌های اول نقشی مؤثر داشتند.

اما از قرن پانزدهم به بعد، تأثیر نخبگان مداری دینی که نماینده اسلام سنی بودند، رو به افزایش گذاشت

قرار داشت از دولت‌های باستان ترک نیز تأییراتی پذیرفته بود، تأثیر گذاری سنت‌ها و موازین غیراسلامی بر حکومت عثمانی، تا اوایل قرن پانزدهم که دوره شکوفایی ساختارهای اسلام تسنن است ادامه یافت و از آن پس، بر اثر اقدامات نخبگان دینی مدرسه‌ای، دوباره سازماندهی شد. در نتیجه عنصر دین که بر نظام فرهنگی حاکم بود، نفوذ خود را در نظام حاکم به حد اکثر رساند.^۹ سازمان دینی که تا قرن شانزدهم زیر عنوان قاضی عسکری و پس از آن نهاد شیخ‌الاسلامی موجودیت داشت، هیچ‌گاه به عنوان نهادی مستقل از نظام سیاسی - اداری تصور کردنی نبوده است. سازماندهی فعالیت‌ها در حکومت عثمانی، همواره در چارچوب‌های دولتی انجام پذیرفته و به نحوی بوده است که علاوه بر کارکردهای سنتی دین، بخشی از وظایف دولتی را نیز دربر می‌گرفته است. تحقق فعالیت‌های دینی در حاکمیت عثمانی که در وابستگی به نظام سیاسی - اداری صورت می‌گرفت این امکان را فراهم می‌سازد که در بررسی روابط دین و دولت براساس الگوهای نظری، عثمانی، را نظامی نیمه دینی دانست. علی‌رغم اینکه دین عنصر اساسی نظام فرهنگی، در اتخاذ تصمیمات سیاسی و اداری و کارکردی نظام بوده است لیکن به طور کامل بر نظام سیاسی و اجتماعی مسلط نبوده و نیروهای تعیین‌کننده‌ای در خارج از حیطه آن وجود داشته‌اند. دو راه برخورداری دین از نیروهای تأثیرگذار در حاکمیت عثمانی، تا آغاز جنبش‌های نوگرایی یعنی اواخر قرن هیجدهم ادامه داشت.^{۱۰} دین در مقابل گروه‌های اجتماعی نوظهور که با جنبش‌های نوگرایانه پدید آمد و دیوان سالاران عسکری - مدنی که با ارزش‌ها و موازین غربی رشد کرده بودند عقب‌نشینی کرد و مجبور به واگذاری برخی از مسؤولیت‌های دولتی خود به نهادهای

مدنی گردید. در قرن ۱۹ نفوذ و کارکردهای دین در نظام سیاسی - اداری بیش از اندازه کاهش یافت. با ظهور جمهوری ترکیه که بر ویرانه‌های دولت عثمانی بنا شد با از میان برداشتن نهادهای سنتی، نهادهای پیشرفته به سبک غربی جای آنها را گرفت و دین را در درون دستگاه دولت، وابسته به نظام سیاسی سازماندهی شد.^{۱۱}

پی‌نوشت‌ها:

۱- داود دورسون: دین و سیاست در دولت عثمانی، ترجمه منصوره حسینی، داود وفایی، انتشارات کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۱، ص ۲۰.

۲- الگوی لائیک امروزه در نظام حقوقی و قانونگذاری بسیاری از کشورهای اروپایی و آمریکایی پذیرفته شده و جاری است یعنی اینکه این کشورها هنگام تنظیم قوانین اجتماعی - سیاسی خود، فرمان‌های مذهبی و فقهی را نادیده می‌گیرند و با تفکیک مذهب از امور سیاسی مردم را در اجرای مناسک مذهب آزاد می‌گذارند. جهت آگاهی از آغاز حرکت لائیسیم در امپراتوری عثمانی رجوع شود به:

Alt in dal, aytunc: Laiklik, Istanbul, Surec. yay: ۱۹۸۶

۳- «دوشیرمه» سربازگیری از پسرهای مسیحی ساکن امپراتوری برای ورود به خدمت ارتش عثمانی و خدمات دولت بود.

۴- دورسون، داود: پیشین، ص ۳۰.

۵- نخستین مبلغان اسلامی در نواحی آسیای مرکزی و آناتولی، طریقت‌های صوفیانه بودند که به نشر اسلام طریقتی می‌پرداختند مانند طریقت بکتاشیه، جلالیه، بابایی و غیره جهت آگاهی بیشتر در این خصوص رجوع شود به

Ahmet yas,ar: Ocaki osmanli

Impartorluguinda Majinal Sufilik

Kalenderler XIV - XVII yuzyillar

turk tarih karumu basimevi ۱۹۹۹.

۶- داود دورسون، پیشین، ص ۳۵.

۷- همان، صص ۲۳۰ - ۲۱۹.

۸- همان، ص ۳۲۰.

۹- Davut Dursum: Osmanli devletinde

siyaset ve din, is aret, Ankara, ۱۹۸۹.P. ۳۵۱.

۱۰- راجع به تقابل نظام نیمه دینی عثمانی با

سیرلائیسیم رجوع کنید به:

Arsal, Sadri Maksudi: Teokratik Devlet ve

Laik Devleti Tanzimat ۱ Istanbul, ۱۹۹۰

۱۱- جهت مطالعه بیشتر راجع به روند و مکانیزم

تبدیل دولت امپراتوری عثمانی به دولت جمهوری رجوع

کنید به کتاب پنج جلدی استانفورد شو با مشخصات ذیل:

Stanford J. Shaw: From Empire to Repblic, a

documentry Study ۵ Vol Turk tarih Kurumu ۲۰۰۰.